حضرت فاطمه(س) سنگ بنای وحدت یا بهانه‌ای برای تفرقه امت؟



حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم تأکید دارد حضرت زهرا (س) می‌تواند بستر وحدت در جامعه اسلامی باشد. او بیان دارد: «حضرت فاطمه زهرا(س) در عین این که می‌کوشید امام علی(ع) را به عنوان مبنای حق و امام جامعه معرفی کند، اما خطوط قرمزی را هم ارائه و رعایت می‌کرد که این خطوط قرمز عبور از مصالح جامعه اسلامی نباشد؛ یعنی بیان حق را به صورت ظریف پی می‌گرفتند و خواهان وحدت جامعه اسلامی بودند».

عضو مجلس خبرگان رهبری، با اشاره به برخی از اظهار نظرها پیرامون شهادت حضرت زهرا(س) از سوی برخی و متعاقبا دامن زدن به جدایی شیعه، اظهار داشت: «باید جنبه‌های مربوط به تاریخ را به گونه‌ای مطرح و پی بگیریم که اصطکاکات و تعصباتی را بر علیه شیعه بر نیانگیزاند و اختلاف ایجاد کند؛ برای مثال رفتار امام صادق(ع) و یا امام باقر(ع) به گونه‌ای بود که امکان ارتباط با شاگردان خود که از پیروان اهل سنت بودند را نه تنها ایجاد می‌کرد که شدت ارتباط را در پی داشت».

استاد حوزه علمیه قم با بیان این که برای شناخت نقش حضرت زهرا(س)، در فقر به سر می‌بریم، گفت:

«هنوز نتوانسته ایم تحلیل کافی و کاملی را از حضرت فاطمه(س) و تبیین زندگانی ایشان به عمل بیاوریم و شاید وقتی بگویند که از حضرت زهرا(س) چه شناختی دارید، عمدتا به سمت حجاب رفته و در نهایت یک تحلیل کاملی را ارائه نکنیم». متن گفتگوی «خبرآنلاین» با رئیس اسبق دانشگاه مذاهب اسلامی و رئیس پیشین مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی را می‌خوانیم.

در آستانه شهادت حضرت زهرا(س) قرار داریم؛ بسیاری از افراد معتقدند که شهادت حضرت زهرا(س) سندی بر مظلومیت این بانوی بزرگ جهان اسلام است و از این رو با برجسته کردن شهادت حضرت زهرا(س)، گاها به جدایی شیعه وسنی دامن می‌زنند؛ از سوی دیگر مشاهده می‌شود که امام علی(ع) و امامان معصوم(ع)، همواره روی وحدت در جامعه اسلامی تأکید داشتند؛ سؤال این جاست که آیا می‌توان به گونه‌ای به حضرت فاطمه زهرا(س) نگریست که وحدت میان امت اسلام منجر شود؟ و آیا حضرت فاطمه زهرا(س) عامل وحدت میان شیعه و اهل سنت است؟

مبلغی: در میان معصومان(ع) هیچ شخصیتی را نداریم که سیره و رفتار آن‌ها در جهت ایجاد تفرقه بین جامعه اسلامی باشد؛ یعنی از فاطمه زهرا(س) گرفته تا دیگر امامان معصوم(ع)، همگی سیره‌ای را داشتند که می‌تواند عامل و مبنای وحدت در جامعه اسلامی باشد. البته امامان معصوم(ع) و نیز فاطمه زهرا(س) دو رفتار همزمان را در پیش داشتند؛ یکی در پیش گرفتن رفتار و بیان سخنانی که ارائه راهی را حمل می‌کرد که به شیعه گری می‌انجامید و دیگر این که سلوک و رفتاری که در عین ترسیم کردن راه شیعی که راه خود اهل بیت(ع) است، به شدت هر چه تمام تر حافظ چارچوب‌های وحدت در جامعه اسلامی و کیان امت اسلامی بودند. ما این دو محور را باید در کنار هم ببینیم؛ چرا که کنار گذاشتن یکی به این معناست که اهل بیت(ع) را به درستی نشناخته‌ایم. شخصیتی چون حضرت فاطمه زهرا(س) هم وقتی که سیره رفتاری شان، تبیین و تحلیل شود، ما را به همین نقطه می‌رساند که این بزرگ بانوی جهان اسلام، در عین این که می‌کوشید که امام علی ابن ابی طالب(ع) را به عنوان مبنای حق و امام جامعه معرفی کند، اما خطوط قرمزی را هم ارائه و رعایت می‌کرد که این خطوط قرمز عبور از مصالح جامعه اسلامی نباشد و امت اسلامی را واژگون نکند.

ممکن است مثالی برای سخن‌تان بیان کنید؟

مبلغی: یکی از قرائن و شواهد بر این حقیقت، این است که همه می‌دانند، امام علی ابن ابی طالب(ع)، در جامعه آن روز نقش مهمی را برای حفظ و تقویت آن جامعه اسلامی ایفاء کرد؛ چنان که گاهی با سکوت خود، گاهی با رفتن در درون جامعه و گاهی با مشورت دادن به آن جامعه و بودن در متن آن، این هدف را

دنبال می‌کرد؛ این امر مسلمی است که همه آن را قبول دارند؛ اگر این را پذیرفتید؛ یا باید بپذیرید که حضرت فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) دو رفتار متضاد با هم داشتند و دو جریان متضاد بودند که این سخن غلط است و غلط بودنش روشن است و معاذا که ما بیاییم و این دو را مخالف هم ببینیم و یا باید بپذیریم که این دو بزرگوار بر اساس پیچیدگی‌های زمان، تقسیم کاری را انجام داده بودند و رفتار یکی مکمل رفتار دیگری است که این درست است؛ خوب اگر این طور باشد، بنابراین آن راهی که امام علی(ع) برای حفظ و تقویت جامعه در پیش گرفته بودند، مقصود و مطلوب فاطمه زهرا(ص) بود و آن چه را هم که حضرت فاطمه زهرا(س) در پیش گرفته بودند، مقصود و مطلوب امام علی(ع) بود.

امام علی(ع) و حضرت فاطمه زهرا(س) چه شگردهایی را برای اهداف خود در پیش می‌گرفتند؟

مبلغی: این دو با هم به دنبال آن بودند که هم اصالت اهل بیت(ع) و راه اهل بیت(ع) را به اثبات رسانده و تبیین کنند و هم به دنبال این بودند که جامعه اسلامی متلاشی نشود و به وضعیت خطرناک و در حال از بین رفتن قرار نگیرد؛ این رفتار این دو بود؛ اما شگردها این بود که بیان حق را به صورت ظریف پی می‌گرفتند و خواهان وحدت جامعه اسلامی بودند.

وظیفه ما به عنوان شیعیان و کسانی که خود را پیرو مکتب تشیع می‌دانیم در قبال رفتار امام علی(ع) و حضرت زهرا(س) چیست؟

مبلغی: امروزه ما نیز نباید از این خطوط قرمز تبیین شده از سوی اهل بیت(ع) در ارتباط با جامعه اسلامی عبور کنیم؛ همانطور که نباید دست از شیعه گری که اصالت را به اهل بیت(ع) می‌دهد دست بکشیم؛ این می‌طلبد که ما فاطمه زهرا(س) را به عنوان مبنای وحدت جامعه اسلامی معرفی کنیم؛ امروزه نزدیک شدن شیعه به سنی و سنی به شیعه، راهی است که فاطمه زهرا(س) و امام علی(ع) می‌خواستند؛ امروز اگر اسلام ضربه‌ای بخورد شیعه هم ضربه می‌خورد و مذاهب دیگر هم ضربه می‌خورند. اسلام یک چارچوب کلانی است که به صورت قطع و بدون هیچ شک و ریبی باید ایجاد و حفظ شود و نباید نزدیک رفتارهایی رفت که این چارچوب، اصل و فضای کلی اسلام را از بین ببرد؛ شیعه گری درون این چارچوب معنا پیدا می‌کند و البته ما در ارتباط با برادان اهل سنت، می‌توانیم مباحث اختلافی مان را به شکل علمی و فقط و فقط در فضای علمی دنبال کنیم ولی هر دو طرف مان باید اتفاق نظر بر حفظ جامعه اسلامی داشته باشیم.

برخی چگونگی شهادت حضرت زهرا(س) را دست آویزی برای دامن زدن به جدایی و تفرقه میان شیعه و سنی کرده اند؛ نظر شما پیرامون این عقاید چیست؟ و اگر راهکاری نیز دارید بیان بفرمایید.

مبلغی: به نظر می‌رسد که اگر دو اصل کلی را همواره در نظر دشته باشیم، مشکلات اینچنینی به خودی خود حل خواهد شد. اول این که ما امروز نباید کاری کنیم که وحدت در جامعه اسلامی از بین رفته و به نابودی اسلام بیانجامد، چرا که وحدت، راه حفظ اسلام می‌باشد و باید این را با تمام قدرت و بی هیچ کم و کاست حفظ کرد و دانست که این راه حضرت فاطمه زهرا(س)، امام علی(ع) و دیگر امامان معصوم(ع) است، چون خود آن‌ها هم این را می‌خواستند؛ دوم این که اگر مسائلی یا وقایعی هست که در تاریخ رخ داده است، باید قالب ارائه آن‌ها و فضای طرح آن‌ها به گونه‌ای باشد که با آن اصل اساسی کوشش برای حفظ اسلام و حفظ امت اسلامی، هماهنگ باشد. شاید بهترین قالب این است که اگر طرفین خواهان طرح آن هستند، آن را در فضاهای علمی و به صورت آکادمیک بحث کنند؛ بحث علمی، بحث بودن در فضاهای عام نیست، بلکه بحث علمی باید در فضاهای خاص مطرح شود و نباید آن‌ها را در درون جامعه آورد؛ البته در جامعه شیعی، ما می‌توانیم جنبه‌های مربوط به تاریخ را به گونه‌ای مطرح و پی بگیریم که اصطکاکات و تعصباتی را بر علیه شیعه بر نیانگیزاند و اختلاف ایجاد کند؛ دقیقا مثل خود اهل بیت(ع) که چگونه با فرزندان مکتب اهل سنت در تماس بودند و امام صادق(ع) در درس شان هزاران اهل سنت شرکت می‌کردند؛ آن‌هایی که در درس امام صادق(ع) شرکت می‌کردند، از اهل سنتی بودند که سخت معتقد به مذهب شان بودند، اما رفتار امام صادق(ع) و یا امام باقر(ع) به گونه‌ای بود که امکان ارتباط را نه تنها ایجاد می‌کرد که شدت ارتباط را در پی داشت.

روش امام صادق(ع) در طرح مسائل تاریخی و از جمله مسائل پیرامون شهادت حضرت زهرا(س)، چگونه روشی بود؟

مبلغی: طرح مسائل تاریخی از سوی امام صادق(ع) در یک فضاهای کنترل شده، حساب شده و غیر منتهی به ایجاد حساسیت صورت می‌گرفت؛ ما باید تابع اهل بیت(ع) باشیم و این چیزی جز این نیست که هم آن چیزی را که از جانب ما حق است را بیان کرده و بگوییم و هم قالب‌های کنترل شده و غیر موجد حساسیت و غیر منتهی به تنش در جامعه را در پیش بگیریم؛ بنابر استدلالات عقلی می‌توان گفت تجربه امام صادق(ع) در این زمینه، یک تجربه عملی، شیرین و واقع شده است. امام صادق(ع) با اهل سنت درگیر نبود، بلکه با خلفای بنی عباس که ظالم بودند و با جامعه اسلامی و رشد آن و حتی با علمای اهل سنت هم درگیر بودند، مخالفت می‌کردند؛ از این رو ما نباید این دو را یکی بگیریم. امروزه ارتباط با اهل سنت راه امام صادق(ع) و خدمت به فاطمه زهرا(س) و امام علی ابن ابی طالب(ع) است؛ البته این به آن معنا نیست که ما از آن اصالت شیعی خودمان ذره‌ای کوتاه بیاییم، بلکه بحث در طرح مسائل و نوع طرح مسائل و نگاه‌ها و انتخاب راه‌هایی است که حساسیت ایجاد نکند.

تحلیل شما از شخصیت حضرت فاطمه زهرا(س) چیست؟

مبلغی: در مورد شخصیت حضرت زهرا(س) باید گفت این شخصیت کوثر است و کوثر یعنی خیر کثیر؛ الف و لام که بر سر آن می‌آید به این معنی است که این خیر کثیر نه فقط در یک زمینه بلکه در زمینه‌های مختلف است؛ او کانون و منشأ خیر بود؛ همانگونه که حضرت فاطمه زهرا(س) لقب کوثر داشته و به معنای واقعی خیر کثیر بودند، نسل حضرت فاطمه زهرا(س) که اهل بیت عصمت و طهارت هستند نیز، بهترین و پربارترین و پرخیرترین نسل، در طول تاریخ بشریت هستند و آینده بشریت، تحول خود را مرهون این نسل و یکی از فرزندان این نسل که امام زمان(عج) باشد، است. نقشی که حضرت زهرا(س) در ارتباط با تبیین راه اهل بیت(ع) داشتند یک خیر کثیر تمام نشدنی است؛ همچنین نقشی که این بانوی بزرگ جهان اسلام در حفظ کیان امت اسلامی و داشتن یک نگاه ویژه به جامعه اسلامی داشتند، یک نقش پویای ماندگار و بالیده در طول تاریخ است، اگر چه ما برای شناخت این نقش و فقدان تحلیل‌های درست در باره این شخصیت، در فقر به سر می‌بریم. زندگانی فاطمه زهرا(س) یک زندگانی پربار و قابل، برای تأثی در زمینه‌های مختلف است که ما در شناخت ابعاد زندگانی اجتماعی، سیاسی، عبادی، فردی و … کوتاهی‌هایی داشتیم و هنوز نتوانستیم تحلیل کافی و کاملی را از این زندگانی به عمل بیاوریم و شاید وقتی بگویند که از حضرت زهرا(س) چه شناختی دارید، عمدتا به سمت حجاب رفته و یا دو یا سه خصلت دیگر را بیان کرده و در نهایت یک تحلیل کاملی را ارائه نکنیم؛ خود حضرت زهرا(س)، نقش عجیبی را در شناساندن پیامبر اسلام(س) به جامعه اسلامی و نیز آرامش بخشیدن به پیامبر اسلام(ص) و زمینه‌های مختلف دیگر داشتند؛ بنابراین حضرت فاطمه زهرا(س) یک شخصیت نادر و استثینایی تاریخ بشریت است که در باب او سخن گفتن کار سهلی نیست.

تعابیر مختلفی در مورد شخصیت حضرت زهرا(س) بیان شده است؛ به انتخاب خود برخی از آن‌ها را بیان و تا حدودی تحلیل بفرمایید؛ برای مثال تعبیر معروف دکتر علی شریعتی که «فاطمه(س) فاطمه است».

مبلغی: کسان بسیاری در باب حضرت فاطمه(س) سخن‌هایی گفته‌اند که هر کدام قابل توجه است و یک تعبیر معروف همین تعبیر «فاطمه(س)، فاطمه است» می‌باشد؛ این سخن بیانگر این است که ما در ارتباط با تعریف این بانوی بزرگ به این نکته می‌رسیم که بهتر از این عبارت که «فاطمه» باشد، عبارتی را نمی‌یابیم تا او را تعریف کنیم. چون هر عبارتی را به کار بگیریم احساس می‌شود که کوتاهی‌ها و نقص‌هایی دارد و البته تعبیرهای مختلفی در باب فاطمه زهرا(س) وجود دارد؛ از خود پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) هم عباراتی به کار گرفته شده است که یکی از آن‌ها روایتی است که فاطمه زهرا(س) را اسوه امام مهدی(عج) معرفی می‌کند؛ یعنی امام مهدی(عج) که در آخرالزمان یک اصلاح جهانی و یک

تحول جهانی را پی می‌افکند، مقتدا و اسوه او فاطمه زهرا(س) است. این نشان می‌دهد که قابلیت‌های نهفته بسیاری در زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) وجود دارد که به تحلیل درستی همچنان نیامده است و اهمیت آن‌ها، آن قدر زیاد است که می‌تواند مبدأ یک حرکت جهانی در فضای آخرالزمان باشد.